

گسترش بی سابقه دستگیری های خیابانی در شهرهای ایران

کرده است. نحوه عمل این گزیده ها اهداف چندگانه رژیم و باندهای حکومتی را از تشدید مراقبت ها و بگیر و ببند های خیابانی بازتاب می دهد. ابتدا نمونه هایی از این اقدامات را ذکر می کنیم:

- دستگیری های خیابانی بویژه جوانان در هر کوی و برزن و چهارراه و محل تردد در ابعاد بیسابقه ای افزایش یافته است. به طور ناگهانی راه آنان سد می گردد و به دنبال چند سوال و جواب کوتاه، در اکثر موارد فرد هاب دستگیر می شود. هدف از دستگیری انجام بازجویی مشروطتر است. دستگیرشدگان، تنها در صورتی که وضعیت قابل توجیهی ارائه دهند آنهم پس از چند ساعت "سین، جیم" آزاد می شوند. ابعاد این دستگیری های چندساعته بقدری زیاد است که به طور مثال در تهران جوانان خانه خود را با احتساب احتمال گرفتار شدن ترک می کنند. موارد متعددی از این دستگیری ها و راه گیری ها حتی طی چند دقیقه حضور در خیابان های پرتردد شهر قابل مشاهده است. آشکار است که در شرایط شکست سیاست های جنگ طلبانه و خانمان بر بادده سران رژیم، این اقدامات برای به دام انداختن فعالین سازمان های سیاسی و ممانعت از اقدامات افشاگرانه که در این زمان از بیشترین بار تاثیر گذاری برخوردار است صورت می پذیرد.

- بر سر چهارراه های اصلی خودروهای حامل تیر بارهای با کالیبر بالا مستقر شده اند. مزدوران رژیم همه جا بر نمایش تسلیحات خود و به چشم خوردن ماموران تفنگ به دست تاکید دارند.

گاه و بیگاه، شب و روز و اینجا و آنجا شهر ساعت ها صدای تیراندازی و رگبارهای مقطع و یا پیوسته بگوش می رسد. این تیراندازی ها برای ایجاد رعب و وحشت در مردم انجام میگردد. تیراندازی ها، پوشاندن ضعف بیسابقه سیاسی رژیم و هراس از آینده سردمداران آن را نیز هدف قرار داده است. از سر دسته هایی که به مامورین خود سرکشی بقیه در صفحه ۲

در هفته های اخیر در سطح شهرهای بزرگ کشور بویژه تهران همه جا پاسداران و کمیته پی های رژیم به حرکت درآمده اند. با او نیفرم های منحوسشان و بالباسهای شخصی؛ در ماشین های ب. ام. و. ساواک و تویوتا های سپاه و پیکان های گشت های مخفی موتورسواران و بسیجی های مسلح نیز در کارند. آنان با چشمانی گستاخ و گشاده که به خوبی ترس از اهماق آن هویداست همه جا را می پابند. تشدید اقدامات امنیتی و مراقبت های خیابانی از روزهایی چند قبل از تاریخ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد و همچنان تاکنون روند شدت یابی خود را حفظ

اکبر

نشره سازمان فدائیان خلق ایران (اکبر) در خارج از کشور

دوشنبه ۷ شهریور ۱۳۶۷ برابر ۲۹ اوت ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۲

هر دو رژیم در مذاکرات صلح کارشکنی می کنند

هنوز مذاکرات مستقیم عملاً آغاز نشده است

اسلامی همچنان نیرو به جبهه می فرستد و با همان شدت پیش بقیه در صفحه ۲

تقویت سازماندهی جنگی خود در طول نوار مرزی ۱۲۳۵ کیلومتری خاصه مناطق استراتژیک آند. جمهوری



نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در حال دیدبانی

از روز شنبه ۲۹ مرداد در جبهه های جنگ آتش بس برقرار شد و پنج روز بعد ظاهراً مذاکرات مستقیم بین دو رژیم ایران و عراق آغاز گردید. همانگونه که انتظار می رفت از همان فردای برقراری آتش بس هر دو طرف شروع بدان کردند که طرف مقابل را به نقض مقررات آتش بس متهم کنند. برخی اقدامات تحریک آمیز نیز آغاز شد که پس از این نیز می تواند ادامه یابد و جو را بحرانی کند. در روز سه شنبه هفته گذشته (یکم شهریور) هر دو رژیم مدعی شدند که طرف مقابل در حال تمرکز نیرو برای دست زدن به یک حمله است. البته در این شکی نیست که هر دو طرف همچنان در حال

ویرانگران کشور از پایان جنگ چه می خواهند، بازسازی یا غارت؟

بخش هایی از "یادداشت اقتصادی" روزنامه دولتی کیهان ۲۷ مرداد ۶۷

ظرفیت فرضی از سرمایه به اقتصاد ایران باعث خواهد شد که تا کشور ما در سال ۸۸ شمسی حدود ۶۵ میلیارد دلار بدهکار شود و ایران باید بابت اصل وقوع چنین بدهی فرضی نزدیک به ۷ میلیارد دلار سالانه بپردازد. و این شاید بیش از ۴۵ درصد درآمدهای ارزی و بهای صادرات مادر آن سال باشد... پیش بینی می شود ایران... طی دهه آینده تنها ۵۰ میلیارد دلار سرمایه را قادر ربه جذب است و دوسوم این رقم معطوف سرمایه گذاری های نظامی و تسلیحاتی خواهد شد... □

گفته می شود نیاز ارزی صنایع موجود کشور از جهت تامین هزینه و مواد اولیه برای تولیداتی شبیه سال ۶۲ حدود ۷ میلیارد دلار است و در حال حاضر کمتر از یک هفتم این رقم تامین می شود... زیرساختها و امکانات و ظرفیت اقتصادی موجود آنچنان پس رفته است که طی سالهای آینده احتمالاً تنها قادر به تامین نیازهای صنایع موجود است... محافل کارشناسی غرب سخن از ظرفیت ۴۲ میلیارد دلاری ایران... جهت جذب سرمایه طی ۱۰ سال آینده به میان می آورند. تزریق چنین

"... پایان نظامی جنگ عراق - ایران فی نفسه به آزادی منابع مالی و ارزی تخصیصی جنگ به منظور سرمایه گذاری در بخشهای دیگر کمکی نمی کند. بلکه با توجه به ضرورت اتخاذ استراتژی "دفاع قوی" هزینه های دفاعی ایران باید افزایش یابد تا بتواند بار "رقابت تسلیحاتی پرهزینه" با عراق را تامین نماید. بدین لحاظ تردیدی نیست که چنانچه فرایند "بازسازی اقتصادی" به اتکاء گشایش و تزریقهای ارزی صورت پذیرد انتظار به یک تزریق برون مرزی متوجه می شود...

در این شماره

از زندگی تلخ پرورندگان عسل

در صفحه آخر

حکومت سیاه ریگان از زبان جسی جکسون

در صفحه آخر

در کنفرانس جهانی ۱۹۸۸ علیه بمب های اتمی و هیدروژنی

در صفحه ۳

حقیقت به مثابه یک عامل سازنده

در صفحه ۸

هر دور رژیم در مذاکرات صلح کارشکنی می‌کند

هنوز مذاکرات مستقیم عملاً آغاز نشده است

بقیه از صفحه اول

از آغاز آتش‌بس سربازگیری را ادامه می‌دهد. با این همه در چارچوب وضعیت فعلی بهم خوردن آتش‌بس و قطع شدن روند برقراری صلح کاملاً نامحتمل است. شرایط داخلی و بین‌المللی به هیچ یک از دو رژیم اجازه نمی‌دهد که جنگ را از سرگیرند. اما هنوز از صلح نمی‌تواند سخنی در میان باشد. مذاکرات ژنو در روز پنجشنبه سوم شهریور (۲۵ اوت) آغاز شد. هدایت مذاکرات را خاویر پریز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد بر عهده داشت و سرپرستی میات‌های نمایندگی برعهده وزرای خارجه دو رژیم بود. در آستانه آغاز مذاکرات ژنو دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت: «اوضاع تحت کنترل است. اما بعد از یک جنگ هشت ساله نمی‌توان گفت امروزه خصوصیت‌ها یکباره پایان گرفته‌است. هنوز ما به زمان احتیاج داریم. همه چیز به نیت سیاسی دو طرف بستگی دارد. اگر

آنها بخواهند به مساله پایان دهند، در ظرف چند ماه می‌توان مشکلات را برطرف کرد. در غیر این صورت سالها این وضع ادامه خواهد یافت.»

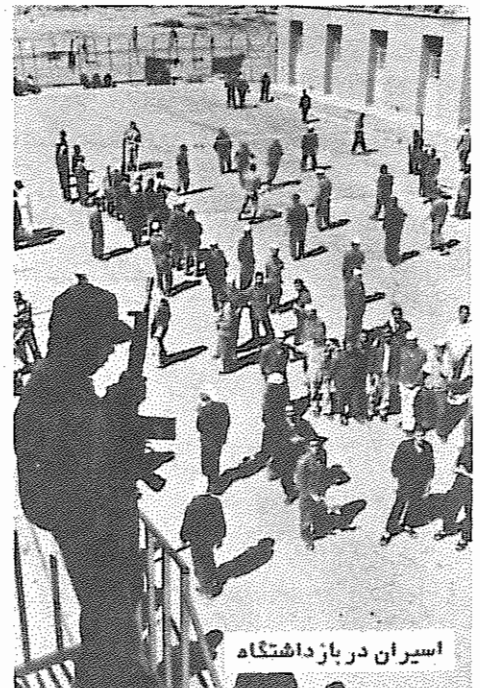
در ژنو دور اول مذاکرات در روز پنجشنبه و دور دوم در روز جمعه هفته گذشته انجام شد. در هر دو دور مذاکرات غیرمستقیم بودند اگرچه مذاکرات مستقیم نامیده شدند. هر دو طرف نه یکدیگر بلکه دبیرکل سازمان ملل را مورد خطاب قرار می‌دادند. آنها نه با زبان مذاکره، در سالن اصلی مذاکره بین هیات نمایندگی دو رژیم ۱۵ متری فاصله بود. اما مذاکره بیشتر بدین صورت انجام شد که در یک اتاق هیات نمایندگی جمهوری اسلامی، و در اتاق دیگری هیات نمایندگی عراق مستقر بود. بین این دو اتاق، اتاق کار خاویر پریز دو کوئیار و دستیارانش قرار داشت.

در ژنو اکنون بحث‌ها بر سر دستور کار مذاکرات متمرکز است و تفسیرهایی که از قطعنامه ۸۹۸

و تقدم و تاخر بندهای مختلف آن به عمل می‌آید. در این بحث‌ها جمهوری اسلامی مساله عمده را مساله «تعیین متجاوز» می‌داند و عراق از تعیین خطوط مرزی و مبادله اسرا به عنوان موضوع اصلی و مقدم نام می‌برد. مدتها طول خواهد کشید تا مبنای مذاکره مشخص شود و تازه پس از آن دعوا وارد مضمون می‌شود. طبیعی است که پی‌آمد آن جنگ ارتجاعی ۸ ساله یک فیرشرافتمندانه طولانی باشد. در رژیم اکنون بیش از آنکه پیشرفت مذاکرات در ژنو در مد نظرشان باشند، بدان می‌اندیشند که چگونه موضع سیاسی‌شان را در ادامه موضع جنگیشان قرار دهند، جنگ را نه پوچ و بی‌سرانجام بلکه با پیروزی پایان یافته و نمود کنند، به تحریک احساسات شوونیستی بپردازند و هر از گاهی برای محق جلوه دادن خود در پیشبرد جنگ طرف مقابل را تحریک و فضا را بحرانی و جنگی سازند.



یک اردوگاه جنگ‌زدگان آواره



اسیران در بازداشتگاه

گسترش بی‌سابقه...

بقیه از صفحه اول

می‌کردند، شنیده شده است که «وضع خیلی خراب است خیلی مواظب باشید»

تعمیرات امنیتی جدید و بگیر و بندهای خیابانی فقط مقابله با حرکت‌های مردم و مبارزین سیاسی را مدنظر ندارد. دارو دسته‌های حکومتی که هر یک قداره‌بندان، ششول‌بندها و تفنگچی‌های خود را دارند همچون گرگ‌های گرسنه همدیگر را می‌پایند. این گرگ‌ها که در ضدیت با انسان و دریدن فرزندان خلق وحدت کامل دارند؛ بویژه اکنون که توده‌های مردم نوشیدن جام زهر پذیرش آتش‌بس را به آنها تحمیل کرده‌اند، جنگ سختی را از سر می‌گذرانند، جنگ قدرت و جنگ اینکه چه شد و چرا شد و چه باید بشود؟

از میان آنانیکه ششلول‌بند و مسلسلچی در اختیار دارند؛ رفسنجانی سپهسالار خمینی، محتشمی وزیر کشور با دارو دسته و کمیته‌چی‌هایش، ری شهری و ساواکش، محسن رضایی و پاسداران پیروانش، رفیق دوست وزیر سپاه و داماد رفسنجانی، و... که این سربازان است و آن یاران، اینک بیش از هر زمان دیگر به همدیگر جنگ و دندان نشان می‌دهند.

در جمهوری اسلامی تشدید خفقان و پیگیری در سطح جامعه، همیشه با اوج‌گیری شکنجه و اعدام در سایه‌چالهای قرون وسطایی رژیم همراه بوده است. همانگونه که در شماره‌های اخیر نشریه گزارش کردیم، اعمال فشار و شکنجه بر زندانیان سیاسی و خطر کشتار فرزندان اسیر خلق ابعاد نوینی یافته است. تیغ خونین جلاد بر پیکر زندانیان سیاسی فرود می‌آید. چهره‌های منقوری همچون لاجوردی که نماد هویت رژیم ملایانند بار دیگر به نمایش گذاشته شده و به صحنه آورده شده‌اند.

فقهای جنایتکار حاکم بر کشور که برای بقای خود صدها هزار نفر را در جبهه‌های جنگ به نابودی کشاندند، بیش از پیش، برای حفظ موجودیت ننگین خود جاری ساختن خون جوانان وطن در کوچه و خیابان و دملیزهای شکنجه‌گاه را چاره کارزار خود یافته‌اند.

آوارگان و اسیران در انتظار صلح و بازگشت به خانه و کاشانه خود دل‌حظه شماری می‌کنند.

امادر ژنو برای دستیابی به صلح کارشکنی می‌شود.

در کنفرانس جهانی ۱۹۸۸ علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی

فدائیان خلق در ژاپن، طی سخنرانی خود در کنفرانس با اشاره به فاجعه جنگ هشت ساله ایران و عراق و تشریح پیامدهای آن از مبارزات مردم ما برای پایان دادن به جنگ سخن گفت و بر ضرورت مبارزه برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای تأکید کرد. این سخنرانی با آرزوی موفقیت برای کنفرانس و شعارهای جهانی ماری از سلاح‌های هسته‌ای! و هیروشیما و ناگازاکی دیگر نه پایان یافت.

دومین "موج صلح" به پنج قاره گیتی گسترش یافته، هر چه سریعتر به مرز یک بلیون امضا دست یابد.

۴ - قانون دولتی کمک به "هیباکوشا" (قربانیان فاجعه اتمی) به اجرا درآید.

۵ - از انجام آزمایشات هسته‌ای جلوگیری کنیم و با قربانیان آن ابراز همبستگی نهائیم. سخنگوی هیئت نمایندگی

سلاحهای هسته‌ای بدون هیچ تأخیری یک توافق بین‌المللی برای منع کامل و نابودی سلاح‌های هسته‌ای را بپذیرند.

۲ - همه سلاح‌های هسته‌ای میانبر در دریا (INF5) برچیده شوند.

۳ - جنبش جمع‌آوری امضا در حمایت از "فراخوان از هیروشیما و ناگازاکی" برای محو سلاح‌های هسته‌ای که از طریق اولین و

در روزهای دوم، سوم و چهارم اوت، کنفرانس جهانی ۱۹۸۸ علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی با حضور ۲۸۹ نماینده از ژاپن، ۲۵ کشور جهان و ۱۴ سازمان بین‌المللی در شهر هیروشیما برگزار شد. مضمون کار کنفرانس بر آماج‌های زیر استوار بود:

- سازماندهی انکار عمومی جهانی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای

- نابودی سلاح‌های هسته‌ای

- خلع سلاح هسته‌ای

- گسترش همکاری بین‌المللی علیه سلاح‌های هسته‌ای و برای صلح نمایندگان میهمان که از

کشورهایی چون اتحاد شوروی،

اسپانیا، آلمان دموکراتیک، ایران

(فدائیان خلق - اکثريت - در

ژاپن)، فلسطین، آفریقای جنوبی،

ایالات متحده آمریکا، کانادا، کوبا،

نیکاراگوئه، ... و سازمانهای

بین‌المللی همانند سازمان

همبستگی مردم آسیا و آفریقا،

سازمان بین‌المللی

روزنامه‌نگاران (ژورنالیست‌ها)،

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان و

فدراسیون جهانی دموکراتیک زنان

گردآمده بودند طی سخنرانی‌های

خود ضمن اعلام همبستگی و

همدردی با قربانیان فاجعه هولناک

مباران اتمی هیروشیما و

ناگازاکی توسط ایالات متحده

آمریکا، خواستار نابودی سلاح‌های

هسته‌ای و گسترش مبارزات مردم

جهان برای حفظ صلح شدند.

در قطعنامه‌ای که به تصویب

کنفرانس رسید، از جهانیان

خواسته شده است که در پیکار

برای پیشبرد اهداف زیر شرکت

کنند:

۱ - همه کشورهای دارای



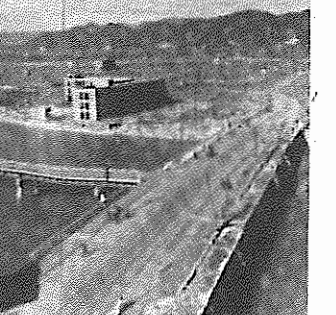
همزمان با برگزاری کنفرانس، تظاهراتی در دفاع از صلح در هیروشیما برپا شد. در بالا صحنه‌ای از این تظاهرات را مشاهده می‌کنید.

علیه کشتار زندانیان سیاسی

تیرباران فدایی قهرمان انوشیروان لطیفی و کشتار سایر زندانیان سیاسی را محکوم کردند. آنها همچنین خواهان آزادی فدایی اسیر صمد اسلامی و سایر زندانیان سیاسی شدند.

انزجار خود را از نقض خشن حقوق بشر در ایران اعلام داشته اختناق حاکم بر ایران را مقابله با ابتدایی‌ترین حقوق انسانی دانستند. شرکت‌کنندگان با امضای متنی

در پی فعالیت افشاگرانه فدائیان در کنفرانس هیروشیما و تشریح رفتار جنایتکارانه جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی ایران، نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس نغرت و



آنچه که از هیروشیما پس از بمباران اتمی بر جای ماند

دبیر کل اوپک :

اگر ایران و عراق توافق کنند قیمت نفت افزایش می یابد

روز شنبه ۵ شهریور سوپروتو دبیر کل اوپک برای دیدار رسمی از کویت وارد این کشور شد. وی قرار است پس از مذاکره با مقامات کویت، به ایران و عراق سفر کند. دبیر کل اوپک یک هفته پیش از ورود به منطقه خلیج فارس، به هنگام دیدار از مکزیک به خبرنگاران گفت که "تصد داران ایران و عراق دیدن کند و این دو کشور را ترفیب به تولید سمیه های برابر نماید." سوپروتو از هر دو کشور خواست که سمیه های تولیدی نفت خود را به منظور بالا رفتن قیمت نفت تا پایان سال جاری میلادی کاهش دهند. سقف تعیین شده از سوی اوپک برای ایران و عراق به ترتیب روزانه ۲/۳۶ و ۱/۹ میلیون بشکه است. عراق با عدم تبعیت از نظام سمیه بندی اوپک، تولید روزانه خود را به مرز ۳ میلیون بشکه رسانده و ایران برای حفظ مشتریان خود از بهای مصوب اوپک که ۱۸ دلار برای هر بشکه است، تخلف کرده است. تخلف ایران و عراق و سایر اعضای اوپک از بهای مقرر و سقف تولیدی تعیین شده، باعث شده است که هم اکنون روزانه ۳ میلیون بشکه نفت، بیش از

حجم تعیین شده در هشتمادوسومین اجلاس اوپک به بازار عرضه شود. انتشار اخبار مربوط به افزایش تولید مجموعه اعضای اوپک، مانع تثبیت قیمت ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت شده است. در هفته گذشته بار دیگر نه تنها روند صعودی قیمت ها که بعد از پذیرش قطعنامه آغاز شده بود، متوقف گردید بلکه ۶ سنت نیز نسبت به روزهای پیش سقوط کرد.

سوپروتو دبیر کل اوپک در کنفرانس مطبوعاتی در مکزیک اعلام کرد اگر وی بتواند ایران و عراق را به تولید روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت ترفیب نماید، این به آن معنی است که مجموع تولید روزانه اوپک معادل ۷۰۰ هزار بشکه کاهش خواهد داشت و این امر بر افزایش قیمت نفت موثر خواهد بود.

ایران در دو دوره اخیر اجلاس اوپک، مخالف برابری سمیه عراق بود. جلب توافق تهران برای پذیرش سمیه برابر با عراق، موضوع اصلی مذاکرات سوپروتو در ایران و مجموعه فعالیت وی برای قلبه بر بحران داخلی اوپک است.

۳۴ شرکت انگلیسی در نمایشگاه بین المللی تهران

نمایشگاه به تعداد بیشتری از شرکت های انگلیسی اجازه حضور داده نشده است. بزرگترین انحصار شرکت کننده در نمایشگاه، شرکت "هاکر سیدی" سازنده وسایل الکتریکی و مولد برق است. شرکت های عظیم نفتی "بریتیش پترولیوم"، "تورن" و "جی ای سی" نیز در این نمایشگاه غرفه دایر خواهند کرد.

دولت فرانسه نیز با لغو تحریم خرید نفت از ایران، تسهیلات تازه ای برای گسترش فعالیت انحصارات این کشور در ایران ایجاد کرده است. به گزارش روزنامه اقتصادی "لوکو" چاپ پاریس "روکار" نخست وزیر فرانسه، موافقت کرده است که در قبال خرید نفت، محصولات کشاورزی به ایران صادر شود.

دو هفته دیگر چهاردهمین نمایشگاه بین المللی تهران برپا می شود. بازسازی ویرانی های جنگ و تلاش انحصارات بین المللی برای بهره برداری از این موقعیت، همه کشورها را متوجه این نمایشگاه کرده است. شرکت های انگلیسی از جمله کشورهای مستند که برای حضور در این نمایشگاه هلاقه بی سابقه ای نشان داده اند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن در حال حاضر حضور ۳۴ شرکت انگلیسی در قالب ۲۵ غرفه در نمایشگاه بین المللی تهران قطعی است. بر اساس اظهارات نماینده یک شرکت خصوصی در لندن که برنامه ریزی حضور شرکت های انگلیسی در نمایشگاه تهران را مهده دار است، فقط به دلیل محدودیت فضای

ادامه مذاکرات برای احداث

خطلوله نفتی ایران ترکیه

چهارشنبه هفته گذشته آقازاده وزیر نفت در اس میاتی وارد آنکارا شد تا با مسئولان ترکیه پیرامون مسایل نفتی و تکمیل پروژه پتروشیمی اراک گفتگو کند. وزیر نفت جمهوری اسلامی در آنکارا به خبرنگاران اظهار کرد که هدف سفر وی و هیات همراهش، بررسی احداث خطلوله نفت ایران - ترکیه و تعیین میزان نفت وارداتی ترکیه از ایران در سال آینده میلادی است.

پروتکل احداث خطلوله نفت، بهار سال گذشته در جریان سفر اوزال نخست وزیر ترکیه به تهران امضا شد. طبق این قرارداد، قرار بود خطلوله ای به طول ۱۹۰۰ کیلومتر نفت خام چاه های اهواز را از طریق خاک ترکیه به سواحل شرقی مدیترانه برای تحویل به خریداران اروپایی نفت ایران احداث شود. سیاست تازه افزایش صدور نفت به کشورهای غربی تصمیم به احداث خطلوله را تسریع کرده است. هزینه احداث این خطلوله ۲ میلیارد دلار برآورد شده و قرار است جمهوری اسلامی بخشی از هزینه آن را با افزایش صادرات بیشتر نفت خام تامین کند. در حال حاضر نفت وارداتی ترکیه از ایران طی شش ماهه سال جاری ۲/۷۶ میلیون تن بوده است.

آقازاده وزیر نفت در گفتگوی مطبوعاتی در آنکارا به سرمایه داران اعلام کرد که در ایران امکانات وسیعی برای تولید مواد پتروشیمی وجود دارد و ایران خواستار کمک های فنی ترکیه برای تکمیل کارخانه پتروشیمی اراک است. پروژه احداث این کارخانه پیش از جنگ ایران و عراق تا ۸۰ درصد پیش رفته بود. ماه آینده نیز قرار است به دعوت بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه به تهران سفر کند. در جریان سفر سه روزه یوسف اوزال به ایران، تشکیل شورای اقتصادی - تجاری و افزایش همکاری دو کشور بررسی خواهد شد.

۳۰ ورزشکار ایران

به سئول می روند

افشارزاده دبیر کمیته ملی المپیک در گفتگوی با خبرنگار آسوشیتدپرس اعلام کرد جمهوری اسلامی با ۱۷ کشتی گیر، ۸ دوچرخه سوار، ۴ تکواندوکار و یک دونه هارتون در المپیک ۸۸ سئول شرکت می کند. منصور برزگر قهرمان سوم کشتی آزاد جهان که دو هفته پیش به سمت مربیگری تیم کشتی منصوب شد، اظهار داشت که وی نمیتواند با توجه به بی تجربگی و دوری اعضای تیم کشتی از مسابقات بین المللی وعده توفیق آنان را بدهد. قرار بود تیم وزنه برداری نیز به المپیک اعزام شود ولی به علت کمبود بودجه و عدم کسب رکوردهای لازم از سوی ورزشکاران، جمهوری اسلامی از اعزام آنان به سئول خودداری می کند.

طرح "همگن سازی" بیماران و پزشکان تصویب شد

"طرح" را در نظر بگیرند و "مسئولین بیمارستان ها و اتاق عمل شیفت های کاری پرسنل را طوری تنظیم کنند که در هر شیفت پرستار، تکنیسین، خدمه زن و مرد وجود داشته باشد تا در معاینات ساده و اعمال جراحی در اتاق عمل، رادیو گرافی، تزریقات و فیره از پرسنلی همگن با بیمار استفاده شود و از نظر فیزیکی نیز اتاق های عمل و معاینه و سایر اماکن طوری جداسازی شود تا رعایت موازین شرعی شود." تصویب "طرح همگن سازی" بیماران با پزشکان و پرستاران نشانگر رفرای فساد فکری و اخلاقی مسئولین رژیم اسلامی و توهمین آنان به اهداف و شخصیت انسانی جامعه پزشکی است.

بر اساس آئین نامه جدید وزارت بهداشت و درمان، از این پس، پزشکان زن و مرد حق ویزیت و جراحی بیماران غیر هم جنس خود را ندارند و در صورتی که یک پزشک خلاف آن عمل نماید به اتمام ارتکاب اعمال "غیر شرعی" با وی مطابق آئین نامه وزارت بهداشت رفتار خواهد شد.

پیرامون طرح جداسازی جنسی پزشکان و بیماران، دکتر صدر معاون فرهنگی وزارت بهداشت و درمان روز چهارشنبه ۲۶ مردادماه طی سخنرانی در دانشگاه تهران گفت که دست اندرکاران بیمارستان ها، هم از مسئولین، پزشکان، تکنیسین ها خدمه باید تمام جوانب

پسته، انواع پوست، شمش مس، مس آندوکاتد و انواع روده.

کاهش صادرات در دو ماهه اخیر به شدت تحت تاثیر سقوط ارزش ارزهای همده در بازار ایران بوده است. کاهش ارزش ارز موجب شد که تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالا، تنها آن بخش از کالاهای خود را که در بازار خارج از کشور سودآورتر از بازار داخلی است، صادر کنند. زیرا با سقوط ارزش دلار به ۳۵ تومان، برخی کالاها در داخل کشور بیش از این ارزش دارند و دولت برای برون رفت از همین بحران بود که دو هفته پیش سیاست تشویق صادرات را اتخاذ کرد تا قیمت ارز را با ثبات تر سازد.

صادرات کالاهای غیر نفتی کاهش یافته است

ریال صادر گردیده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، از لحاظ وزن ۲/۲۳ درصد و به لحاظ ارزش ۹/۷۸ درصد کاهش داشته است. در این مدت حدود ۸۳ هزار تن میوه تازه و تره بار به ارزش ۵۸۲ میلیون ریال به خارج از کشور صادر شده است.

بر اساس بررسی آمار یادشده، اقلام همده صادراتی طی چهار ماهه اول سال ۶۷، عبارت بوده اند از فرش پشمی دستباف، پسته و مفرز

هفته گذشته گزارش صادرات کالاهای غیر نفتی در ۴ ماهه اول سال جاری انتشار یافت. بررسی آمار صادرات غیر نفتی در چهار ماهه اول سال جاری حاکی است که کالاهای صادراتی مذکور در مقایسه با مدت مشابه سال ۶۶، از نظر ارزش ۲۴ درصد کاهش داشته است.

طبق این گزارش که توسط گمرک ایران اعلام شده است طی مدت یادشده حدود ۲/۲۳ هزار تن فرش پشمی دستباف به ارزش ۶۱۴۶ میلیون

گزارشی از روزنامه کیهان ۲۹ مرداد ۶۷

گزارشی از وضعیت مسکن در تهران

دربرسی از اجاره نشینها مشخص گردید که ۵ دهم درصد تنها در کمتر از یک اتاق و ۱۸٫۸ درصد در یک اتاق و ۲۴٫۹ درصد در ۲ اتاق و ۲۰٫۱ درصد در ۳ اتاق و ۲۱٫۷ درصد در ۴ اتاق و ۹٫۷ درصد در ۵ اتاق و ۳٫۵ درصد در ۶ اتاق و ۶ دهم درصد در ۷ اتاق و ۲ دهم درصد در ۸ اتاق و بیشتر زندگی می کنند. بررسی سطح زیربنای واحدهای مسکونی اجاره ای نیز با وضعیت فوق نزدیک دارد و بیشترین اجاره نشینها در واحدهای کم سطح زندگی می کنند.

بطوریکه ۵۱ درصد مستاجرین در کمتر از ۵۰ متر مربع مساحت سکونت دارند و بقیه نیز شامل ۱۶ درصد در ۵۰ تا ۷۵ متر مربع، حدود ۱۱ درصد در ۷۵ تا کمتر از ۱۰۰ متر مربع و ۱۳ درصد در ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر مربع و ۵ درصد در ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر مربع و ۳ درصد در ۲۰۰ متر مربع و بیشتر زندگی می کنند در میان اجاره نشینها «گروهی زندگی کردن نیز وجود دارد بطوری که ۲۵ درصد اجاره نشینها بطور ۲ خانوار در یک خانه و ۱۱٫۹ درصد بطور ۳ خانواری و ۳ دهم درصد بطور ۴ خانواری و ۵ دهم درصد بطور ۵ خانواری و ۳ دهم درصد بطور ۶ خانواری و ۴ دهم درصد بطور ۷ خانواری و ۴ دهم درصد بطور ۸ خانوار و ۲ دهم درصد بطور ۹ خانواری و بیشتر در یک خانه زندگی میکنند.

در یک جمع بندی ۲۴٫۸ درصد از اجاره نشینها در آپارتمان و ۵۵٫۱ درصد در واحدهای غیر آپارتمان مستاجر هستند که ۳۵٫۳ درصد از واحد مسکونی خود ناراضی می باشند این گروه علت نارضایتی خود را به این شکل مطرح میکنند. ۸٫۸ درصد نارضایتی از موقعیت محلی و ۱۷٫۲ درصد نارضایتی از گرانی اجاره و ۲۶٫۵ درصد نارضایتی از تسهیلات و ۳۸٫۵ درصد نارضایتی از کمی وسعت و ۱۹٫۹ درصد همسایر مایل را دلیل نارضایتی خود اعلام کرده اند. تعداد اعضای خانوار اجاره نشین رابطه مستقلی در افزایش یا کاهش میزان اجاره های مسکونی دارد در بررسی تعداد خانواده های اجاره نشین این نسبتها به دست آمده است:

یک نفری ۲٫۸ درصد، دوفرنی ۱۲٫۴ درصد، سه نفری ۲۲٫۶ درصد، چهار نفری ۳۰٫۵ درصد، پنج نفری ۱۵٫۹ درصد، شش نفری ۷٫۷ درصد، هفت نفری ۳٫۲ درصد، هشت نفری ۱٫۷ درصد، نه نفری ۷ دهم درصد، ده نفری ۳ دهم درصد، یازده نفری و بیشتر ۲ دهم درصد.

اما مساله مهم میزان کل درآمد ماهیانه اجاره نشینهای تهران است بررسی فوق این نتایج را نشان می دهد. یک در صد اجاره نشینها کمتر از هزار تومان، دو درصد کمتر از ۲ هزار تومان، چهار درصد کمتر از ۳ هزار تومان، ده درصد کمتر از ۴ هزار تومان، پانزده درصد کمتر از ۵ هزار تومان، ۳۵ درصد کمتر از ۸ هزار تومان، سیصد درصد کمتر از ۱۰ هزار تومان، دوازده درصد کمتر از ۱۵ هزار تومان، هفت درصد کمتر از ۳۰ هزار تومان و یک دهم درصد کمتر از ۳۰ هزار تومان و بیشتر در ماه درآمد دارند.

یک بررسی از جامعه «مستاجر نشین» تهران در سال ۶۶ نشان می دهد که ۸۲٫۵ درصد اجاره نشینهای تهران برای گریز از مشکلات مستاجر بودن تمایل به خرید مسکن و استقلال زستی دارند اما فاقد توانایی لازم برای خرید مسکن می باشند. ۲۰٫۱ درصد از اجاره نشینها عضو تعاونی مسکن ادارات خود هستند که از این تعداد تنها ۲۸٫۹ درصد امید به موفقیت تعاونی مسکن در مبارزه با غول مسکن را دارند. از کل اجاره نشینهای تهران ۱۳٫۲ درصد می توانند از درآمد خود برای خرید مسکن در آینده ای طولانی، پس انداز کنند در حالیکه ۸۶٫۸ درصد که پای ثابت حقوق کارمندی هستند اعلام کرده اند توانایی پس انداز کردن برای خرید مسکن را ندارند.

جامعه اجاره نشین وقتی مورد این سؤال که صاحبخانهات کیست قرار می گیرند می گویند ۳٫۶ درصد مالکیت دولتی بوده و ۹۶٫۴ درصد مالکین را افراد تشکیل می دهند. یعنی اینکه ۹۶٫۴ درصد صاحبخانهها را افراد خصوصی و بقیه را دولتی تشکیل می دهد. از این ۹۶٫۴ درصد صاحبخانه حدود ۶۳٫۹ درصد «شاغل» می باشند که ۲۵ درصد «کارفرما» و ۳۳٫۹ درصد «کارکن مستقل» و ۳٫۹ درصد «حقوق بگیر» بخش دولت» و ۹٫۲ درصد «حقوق بگیر بخش خصوصی» و ۶۱٫۵ درصد هم «نامشخص» هستند.

نورم و گرانی چند سال گذشته، یکبار بهای اجاره مسکن را حتی تا بیش از «صد درصد» هم افزایش داد بطوریکه طی این مدت میزان «ودیع» حتی تاده برابر یا لا رفت و مسلم است که چه بروز اجاره نشین با درآمد ثابت خواهد آورد. چهار سال قبل قیمت اجاره یک آپارتمان ۲ اتاق خوابه در مرکز تهران ۵ هزار تومان، در شمال شهر ۷ هزار تومان، در جنوب شهر ۳ هزار تومان و در شرق و غرب تهران بین ۳ تا ۵ هزار تومان بود که به تناسب بین ۱۰ تا ۱۰۰ هزار تومان نیز بابت «ودیع» دریافت می گردید اما امروز آخرین قیمتها بر اساس تماس از طریق بخش آگهیهای روزنامه که چند درصد کمتر از نرخهای بنگاههای املاک دیروز و آژانس های امروز می باشد چنین است:

آپارتمان ۲ اتاق خوابه در مرکز شهر ۱۲ هزار تومان در شمال شهر ۱۸ هزار تومان - در جنوب شهر ۷ هزار تومان - در شرق و غرب تهران ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان!

میزان ودیعه که امروزه بنام «قرض الحسنه» باب شده است تا مشکل شرعی آن حل شود نیز تابع این افزایش قیمت گردیده و بین ۱۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان متغیر امکان است. به این ترتیب قیمت و تمییرات جانبی دیگر آپارتمان های یک تا ۸ اتاقه مشخص می گنبد که در مجموع «مسکن اجاره ای» تا چه میزان با افزایش بی رویه مواجه شده است. افزایش سرسام آور واحدهای مسکونی اجاره ای باعث هجوم مستاجرین به سمت واحدهای دارای «اتاقی کمتر - زندگی بهتر» گردید.

سانسور

سالن مد اسلامی



(عکسی از مناطق اشغالی فلسطین)

روزنامه رسالت ۱۹ مرداد در صفحه "فرهنگی" خود مقاله مصلی را به مد و پوشاک در جمهوری اسلامی اختصاص داده و در این زمینه، ابتکارات "رهگشا"یی ارائه کرده است. رسالت می نویسد:

"در اینجا لازم است مواردی از فرهنگ فنی اسلام در زمینه پوشاک را... بیوریم... فرموده اند که بلندی لباس از کعبین (قوزک پا) بلندتر نباشد که سبب تفاخر است... کراهت در لباس مشکی و قرمز (مگر در عبا و همامه و کفش که می تواند مشکی باشد) و تاکید بر لباس سفید و تاثیر آن در روح و اندام انسان و فرزندان... فرموده اند کفش سیاه و نعلین زرد از سنت است... لباس کتان و پنبه ای لباس انبیا است و سبب رویش گوشت است... آن حضرت در وصیت خود به ابی ذر چنین فرمودند: ای ابی ذر من لباس خشن به تن می کنم و روی زمین می نشینم و انگشتان خود را پس از غذا می لیسم و الاغ بدون پالان سوار می شوم... هر کس از سنت من روی گردان شود از من نیست"

تعریف سگ زرد از شغال

از پیام خامنه ای به مناسبت مرگ ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان "من برادری دانا و مردم پاکستان رهبری مدیر و خدمتگزار و وطن پرست را از دست داده ایم. بی شک ملت مسلمان پاکستان در

طول سالیان پس از استقلال در مقام مدیریت کشور شخصی بدین تدبیر و هوش و اراده و هزم نیرومند و صداقت و اخلاص به خود ندیده است."

جانشین خمینی

تعیین شد

"نقیه عالیقدر" حسینعلی منتظری در سلسله درسمایی از او که در کیهان چاپ می شود مشخصات جانیشینی خمینی را به اطلاع عموم رسانده است. وی ابتدا روایتی نقل می کند که:

"گفت به آن حضرت عرض کردم: فدایت گردم: مرا بدانچه مردم بدان آرامش می یابند آگاه کن، فرمود: ای ابامحمد، سرگز امت محمد تا هنگامی که یک فرزند از بنی فلان حکومت داشته باشند، فرج نمی یابند تا آنکه حکومت آنان منقرض گردد. آنگاه خداوند از میان امت محمد فردی از ما اهل بیت را می فرستد که به تقوا راهنمایی و به هدایت عمل کند و در حکومت خود رشوه نمی گیرد... آنگاه پس از او کسی که گردش کوتاه و چاق و دارای یک خال معمولی و دو خال بزرگ می باشد و قائم عادل که حافظ و دیعه های الهی است خواهد آمد."

منتظری از آنجا که خود دارای چنین مشخصاتی است می نویسد: "... آنگونه که خداوند نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر ما تمام نموده است، به همین جهت گمان می کنم و بلکه درمی یابم که این حدیث اشاره به ما است... و من امیدوارم خداوند متعال به رحمت خویش به من منت نهاده باشد و در کتب پیشینیان از زبان امام صادق (ع) ذکری از ما به میان آمده باشد." (کیهان ۲۹ مرداد)

مادر

او در روستایی تک افتاده بسر می برد تمامی روز، خاموش، در خانه کار می کرد به خورشیدی که در آسمان تابستان می تپید و زورق ابرها که گذر می کردند چندان اعتناییش نبود، به گذشت زمان نیز،

تمامی چیزها، آشنا بودند؛ و نگارهای تو در تو با بافتی دقیق و رنگهایی مهربان،

دیگ جوشان برنج، سبزی، تکای ماهی؛ تنها غذای رنجبران برای همسرش، آموزگار دبستان. هر از گاهی نگاهی می افکند به پیچک کنار پرچین یا به پرندۀ زرد رنگی که بر درخت نان پیکرز دم می جنباند. و زمان می گذشت.

تن شستنی شتاب آلوده در کنار چاه. و گیسوانش را که به خاکستری می گرایید

شانه می زد و به پرسش که در مدرسه محلی بود و جدول ضرب را از بر می کرد می اندیشید، همچنان که کوزه را از شهید بر می کرد به پسر بزرگش می اندیشید در جامه هایی زیبا...

به چشمهای درشت و روشنش می اندیشید و شهری که او در آن درس می خواند.

بیرون از جهان کوچکش صدای گامهایش هرگز به گوش نمی رسید.

او دیگر دل بیرون رفتن نداشت. تبعیدی، که خود بر خویش روا داشته بود؛ زندگانی بی آریه ای که از آن خودش بود.

تنها یاد پدر و مادر مردداتی گهگاه تیشهای اندوه و غربت را در او بیدار می کرد.

پس ناگهان روزی تمامی زادبومش جوانان خدایی خشماگین

سر برداشت. خبرهایی می رسید؛ از شهادتگاه و خاک خونین؛ جامه های خون آلود پسرش، او را از خانه روستایش برون کشاند. او رفت. آن پیچکهای کنار پرچین را پشت سر گذاشت. رودخانه را، کشتزاران را، و آن آبگیر آشنا را. امروز ضدای گامهایش را بر جاده ها می توان شنید؛ در خیابانها و کوچه های تنگ. یاد پسر مرده اش اشکهای دل شکستاش در طنین آواها محو می شود.

شعری از شمس الرحمن شاهر بنگلادشی برگرفته از کتاب شعرهایی از بنگلادش گردانده اسفندیار بجار

از زندگی تلخ پروردگان عسل

بقیه از صفحه آخر

به خاک سیاه نشانده است. یک زنبورستان با ۱۰۰۰۰ کندو بکلی نابود شد. از زنبورستانی با ۵۰۰ کندو تنها ۶۰ کندو باقی مانده است. اینها نمونه‌هایی از شدت خسارت وارده بر زنبورداران کشور است. بنا به برخی برآوردها ۴۰٪ زنبورهای کشور، در یکی دو سال در اثر بیماری و یا خشکسالی از میان رفتند.

گرانی سرسام‌آور ابزار و وسایل تولید و تهیه عسل از دیگر مشکلات زنبورداران است. در بازار دستیابی به کندو، سرکندو، ظرف غذا، دودی، موم، اکستراکتور (جداکنده عسل از موم) بغایت دشوار است. یکی از شرکت‌های بخش خصوصی بنام "ایران کندو" در بندوبست با مقامات دولتی توانسته است توزیع این وسایل را احلا به انحصار خود درآورد. مالک این شرکت، سرمایه‌داری بنام حاج حیدری است که تسبیح در دست و عبا بر دوش دارد. او که در این رشته مطلق‌الضمان است، زنبورداران را مجبور می‌کند برای تهیه وسایل مورد نیاز هر بار بیشتر از پیش بپردازند. مثلاً بهای یک دستگاه اکستراکتور طی یک سال از ۴۰۰۰ تومان به ۸۰۰۰ تومان افزایش یافت. بهای همین وسیله یکبار دیگر نیز توسط حاج حیدری تادو برابر افزایش یافت و اکنون هر عدد ۶۰۰۰ تومان به زنبورداران فروخته می‌شود.

زنبورداران کشور برای مقابله با وضعیت موجود و تامین نیازهای خود قادر به اقدام هماهنگ و متشکل نگردیده‌اند. البته اکثریت قریب به اتفاق زنبورداران در تعاونی‌های تولید عسل از قبیل تعاونی لواسانات، تعاونی کرج، تعاونی تهران، تعاونی اصفهان و... متشکل هستند. اما رهبری این تعاونی‌ها تماماً در دست صاحبان زنبورستان‌های بزرگ قرار دارد. این اشخاص هم تنها در فکر تامین سود هر چه بیشتر برای خود، از طریق غارت سهمیه امکانات دولتی برای هموم زنبورداران، هستند. بدین ترتیب زندگی تلخ زنبورداران کشور تلختر و نابودی زنبورستان‌ها سرعت بیشتری می‌گیرد.

بویژه اینکه در سال‌های اخیر کم‌آبی و خشکسالی امکان تغذیه آزاد در مزارع و گلزارها را نیز کاهش داده است.

محدودیت سهمیه شکر برای زنبورداران خرده‌پا فاجعه‌آفرین است و همین‌ها هستند که امکان نگهداری کندو را از دست می‌دهند. زنبورداران بزرگ آنجا که هزاران کندو را تصاحب کرده‌اند از طریق زدو بند با مقامات دولتی و سلطه بر تعاونی‌های زنبورداران نفع‌تجاری شکر مورد نیاز را به نرخ دولتی بدست می‌آورند، بلکه مقادیر انبوهی نیز زیاده‌بر نیاز بدست آورده و در بازار سیاه به فروش می‌رسانند. مثلاً یکی از همین افراد بنام حاج آقا لواسانی تنها در فصل بهار ۱۰۰۰۰ کیلو شکر نیاز در نیاز دریافت کرد و در بازار سیاه به قیمت هر کیلو ۵۰۰۰ ریال به فروش رساند.

مشکل بزرگ دیگر زنبورداران، شیوع بیماری‌های گوناگون در میان زنبورهای عسل و امتناع کامل دولت در انجام وظایف خود در این زمینه است. در سطح کشور حتی برای مقابله با بیماری‌های شناخته شده و رایج در میان زنبورها نیز دارو وجود ندارد. داروهایی که در بازار سیاه وجود دارد، چنان گران است که تهیه آن برای زنبوردار جزو محال است. بسیاری از این داروها نیز کهنه و فاقد تأثیر درمانی است.

اخیراً علاوه بر بیماری‌های سنتی از قبیل نرما، کنه‌وزو، کندوهای کشور به بیماری‌های ناشناخته تازه‌ای نیز آلوده شده‌اند که یکی از آنها شغیره‌گیری است. این بیماری شغیره‌ها (نوزاد زنبور پیش از خروج از حجره) را از میان می‌برد. زنبورداران معتقدند که این بیماری از طریق زنبورهای وارداتی از آمریکا در زنبورستان‌های ایران شیوع یافته است. در سالهای ۵۶ و ۵۷ دولت از طریق تعاونی‌های زنبورداران دو بیست هزار هکتار زنبور عسل وارد ایران کرد. این زنبورها بدون عبور از قرنطینه و داشتن گواهی سلامتی در میان زنبوردارها توزیع گردید. شیوع بیماری‌های مختلف، بسیاری از زنبورداران را

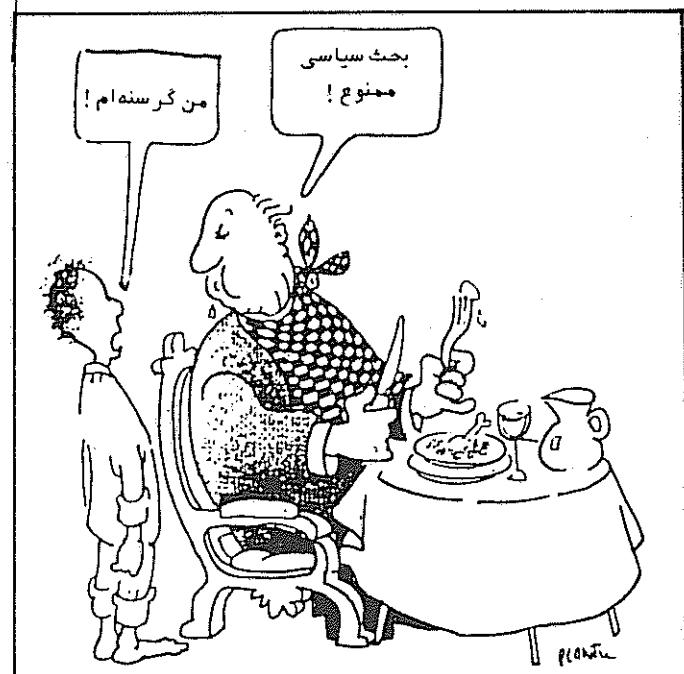
"هنوز امیدی هست، شاید شایعه باشد"

خبر را لوبده‌هنگام امیدوی هست. شاید در حد یک شایعه باشد. همه این احتمالات و شاید بااعت می‌شود کسانی که خبر را دارند آنرا کتمان کنند تا بصورت یک برق فوق‌العاده قوی به همه جا سرایت نکند. با گذشت هر لحظه فاجعه‌ای برای سرمایه‌ها در شرف وقوع است. ارزش طلا، ارز، سکه و هر کالای تعیین‌کننده اقتصادی بطور عجیبی پایین می‌آید. در لحظات اول اوضاع در بازار فوق‌العاده و غیر قابل کنترل است. شایعات آنقدر سریع ساخته و پخش میشوند که گویی قبلاً همه چیز برای این لحظه آماده شده. در یک شایعه که دقایق اول بر سر زبانها افتد ارزش سکه به زیرش هزارد تومان

می‌رسد. در دیگری دلار سقوطی شدید میکند و در سومی... اما بیماری‌ها و مسراکز درمانی و اورژانس در شب واقعه نشانگر عمق تأثیر خبر روی بسیاری دست‌اندرکاران سرمایه و تجارت است. مسراکز درمانی روز بعد اعلام میکنند تعداد سکت‌های قلبی و بیماری‌های ناشی از هسجان زدگی و اضطراب شب گذشته بیکباره افزایش یافته است. اخبار ساعت دو بعد از ظهر که خبر را در صدر مطالب خود پخش میکنند حرکت نزولی قیمت‌ها رسماً آغاز میشود. خبر نیست: و ایران قطعه‌ها را پذیرفته است.

ناگهان همه چیز به هم می‌ریزد. خبر مثل یک طوفان، یک زلزله و یک تب تند، همه جا را به تکان می‌آورد. دهان به دهان، گوش به گوش با سرعتی مافوق تصور حرکت میکند. پیش از آنکه حتی تلکسی مهم‌ترین رسانه‌های خبری مطلب را مخابره کنند نشن اقتصاد کشور با جریان یافتن خبر طبعی هسجان‌السود میگیرد. برای یک لحظه همه شماره تلفنهایی که با اعداد ۵۶، ۵۴، ۵۳ و ۵۲ آغاز می‌شود و محدوده بازار تهران را پوشش میدهد، اشغال می‌شود. مراکز تلفن خارج از کشور سفارشات مستعجلی برای برقراری تماس با خارج در سافت می‌کنند و در مراکز تعیین‌کننده توزیع کالا کرکره مغازه‌ها تانیمه پایین کشیده میشوند. پیامها کوتاه و فوری و تسلاگرافی است. و نرسیدن، نه احتیاج نداریم. معامله فسخ میشه. به کلیه واحدها اطلاع بدین هیچ نوع سفارشی برای خرید و فروش لندن، بازار تهران از مشتری خالی میشود. فروشنده‌گان و صاحبان مغازه‌ها در یک لحظه و بطور هماهنگ یک پاسخ به مشتریان، نه میفروشیم. مشتریان و عابران بهت زده که میخواهند ته و توی قضیه را در بیاورند بیپوده با بعضی از صاحبان مغازه‌ها و حجره‌ها کسلنجار میروند. اسم آنها کارگشته‌تر از آن هستند که

شماره ۲۵ مرداد ۱۳۶۷ - تهران



حقیقت به مثابه یک عامل سازنده چرا برخورد به تاریخ شوروی برای نوسازی لازم است؟

گفتگویی با میخائیل شاتروف نماینده نویسنده شوروی

میخائیل شاتروف یکی از نماینده‌های شوروی است که در نوشتن نماینده‌های تاریخی تخصص دارد. نماینده‌ها «بلشویک‌ها» اثر شاتروف به فارسی نیز ترجمه شده است. از شاتروف آثار دیگری نیز مانند «شش ژوئیه»، «دیکتاتوری آگاهی»، «اسبغی آبی در چمن سرخ»، «پس ما پیروزیم»، «بهترین قرار داد صلح» و «به پیش، به پیش» وجود دارد. شاتروف در نماینده‌هایش به بررسی عمیق نکات گریه تاریخ شوروی می‌پردازد. نشریه «امور بین‌المللی» از انتشارات وزارت امور خارجه اتحاد شوروی گفتگویی با شاتروف انجام داده است که ترجمه بخشهایی از آن را در این شماره می‌آوریم.

*** پرسترویکا، روند نو سازی در جامعه شوروی و بازنگری ما به گذشته، تمولاتی دارای اهمیت بین‌المللی اند. گسترش نفوذ اتحاد شوروی در خارج، به میزان زیادی بستگی به سیاست خارجی و تاحد فزوانی نیز به وضع امور داخلی ما ارتباط دارد. می‌توان گفت سیاست داخلی ما که ویژگی آن، مشارکت بیشتر مردم در امور است، بر اعتبار کشور ما تاثیر نیرومندی دارد.**

شما اقلب به خارج می‌روید و با همزندان دیدار می‌کنید. واکنش آنها نسبت به «اخبار مسکو» چگونه می‌بینید؟

ما گاه جذب مقدار عظیم اطلاعات حقیقی را که به ما ارائه می‌شود، دهنور می‌یابیم. این باید برای خواننده خارجی دهنور تر هم باشد. از این رو اقلب این ترس ابراز می‌شود که: «مردم خارج چه خواهند گفت؟ آیا از حیثیت کشور ما کاسته نمی‌شود؟»

***: ببینید، من در این باره این گونه نمی‌اندیشم. حقیقت، تاثیر سلامت بخشی دارد، سودمند است. از این رو است که من اطمینان دارم، این حقیقت است که بر اعتبار سیاست خارجی ما و بر نفوذ ما خواهد افزود. هلنیت و احترام به حقیقت که در جامعه ما جای خود را می‌یابند، تاکنون ثمرات مهمی به بار آورده‌اند؛ ما توانسته‌ایم به جایی برسیم که به خود، به رسانه‌های گروهی، به رهبریمان اعتماد داشته باشیم. همین روند در خارج در جریان است. اعتماد خارجی ما به ما بیشتر شده است زیرا خود ما به یکدیگر اعتماد بیشتری کسب کرده‌ایم ...**

... دلیلی برای این هراس وجود ندارد که یک ناظر خارجی دچار سوء تفاهم شود و از اتحاد شوروی که خود را بروی جامعه جهانی می‌گشاید، سرخورده شود. دقیقاً بر عکس است. روزی من در یک نشریه اتریشی، نقدی بر نماینده «پس ما پیروزیم» خواندم. این نقد از همه ندهایی که قبلاً خوانده بودم بیشتر به دلم نشست. عنوان آن این بود: «استالین می‌رود، لنین می‌ماند.» آیا این همان منظور ما از پرسترویکا نیست؟

ریشه مسائل کنونی در نخستین سالهای پس از انقلاب است

*** چرا تئوتار سیاسی شما، همدتا تاریخی**

است؟ چرا درباره موضوعات تاریخی نماینده می‌نویسید؟ آیا این بدین خاطر است که زمان حال را کمتر جالب می‌دانید؟

***: من به انقلاب و نخستین سالهای پس از انقلاب هلاقه زیادی دارم. چرا؟ من مدت‌ها پیش دریافتم، بهتر است بگویم نخست حس کردم که ریشه‌های مسائل کنونی و اختلافات جاری ما دقیقاً در آنجاست. ببینید، شاید عجیب بنماید، اما بسیاری چیزها را از پیش می‌دیدند. بسیاری از آنچه ما امروز نگران آنیم، در گذشته توسط انسانهای بسیار فرزانه، «پدران موسس» کشور ما، پیش‌بینی شده بود.**

سئوالی که ما باید طرح کنیم این است: چرا صدای آنها شنیده نشد؟ چرا تاریخ یک راه از یک میلیون راه را برگزید؟ چرا زمانی به خود آمدیم که در لبه پرتگاه یا حتی درون آن بودیم - پرتگاهی که به گفته آکادمیسین لیخاچف ما هنوز کاملاً همق آن را در نیافته‌ایم؟

این یک سئوال اصولی است. باید به آن پاسخ داد. بنابراین باید به آن رهبران گذشته بنگریم که این انتخاب را کردند. ما نیاز داریم که دریابیم چرا یک تصمیم مشخص گرفته شد. یاراه مشخص در پیش گرفته شد. ما با درک گذشته می‌توانیم درس اخلاقی بزرگی از آن بگیریم. اگر بخواهیم امروز، در انقلاب امروز، پیروز شویم، باید چنین کنیم. این است هدف و ارزش بررسی ما درباره گذشته.

البته همانگونه که یوری آفاناسیف، رئیس موسسه تاریخ و آرشیو، کاملاً به درستی خاطر نشان کرده است، هم‌اکنون بسیاری آماده‌اند به سئوال «چه کسی را باید سرزنش کرد؟» پاسخ دهند، اما تنها بدین منظور که سئوال دیگری را بی‌پاسخ بگذارند: «چرا؟» اما به این سئوال نیز باید پاسخ گفت.

*** همه ما اکنون به گذشته می‌نگریم و صفحات تاریخ خود را ورق می‌زنیم. اما توجه ما به گونه‌ای بر دهه ۳۰ و در نتیجه بر استالین که محور اصلی بحث‌هاست، متمرکز است. پس از استالین، فرووشچف، دوره رکود و بسیار چیزهای دیگر بوده است. پس چرا استالین موضوع اصلی این بحث‌هاست؟**

***: همه ما به خوبی می‌دانیم چه چیز بیش از همه به جامعه ما صدمه می‌زند: استالین و دوره او. ما باید این شجاعت را داشته باشیم که اذهان کنیم ما در برخورد به او اختلاف و تفاوت داریم.**

تنها حقیقت است که می‌تواند ما را باز آشتی دهد. ما نباید از این بترسیم که هلنی کردن همه جراحتما گذشته ما را سیاه و دامن پدران ما را لکه‌دار خواهد کرد. حقیقت هیچگاه چیزی را سیاه نمی‌کند، تنها دروغ است که لکه‌دار می‌کند. باید فوراً بگویم که ما با رد عملکردهای استالینی، به هیچ وجه قصد بی‌ارزش کردن زندگی و کارهیچ‌کس و قهرمانی‌های هیچ‌کس را نداریم. این کارها و قهرمانی‌ها می‌مانند و همواره خواهند ماند. هیچ‌کس نمی‌تواند مردم را به خاطر عملکردهای غیر قانونی استالین متهم کند، اما هیچ‌کس هم نباید معاصران خود را از مسئولیت در قبال آنچه روی داد، تبرئه نماید. زیرا ما نباید بگذاریم که تبدیل به بازیچه شویم، نباید به دروغ تسلیم شویم نباید به چرخ‌های صرف یک ماشین عظیم تبدیل گردیم. از همه مهمتر، ما نباید به هیچ فرد و گروه کنترل کامل سر نوشت خود را بسپاریم.

می‌خواهم تاکید کنم که ما اکنون نباید سرگرم تسویه حساب شویم. به هیچ وجه نباید چنین کنیم، زیرا وظایف مهمتر و سازنده‌تری در پیش رو داریم. ما نیازی به انتقام نداریم، اما مکافات، انتقام نیست. منظور من از مکافات، حداقل این است که کشور ما نیاز دارد بدانند که چه کسی چه نقشی را در تبدیل ما به جامعه‌ای غیر متفکر و غیر حساس، ایفا کرد.

من مدت‌ها از خود پرسیده‌ام که ما در کجا منحرف شدیم، چه شد که جای پیروی از راه لنین به سمت آرمان سوسیالیستی، مادر جهت مخالف سیر کردیم. به گمان من، پاسخ این است: در آنجا که ما حق تعیین سر نوشت خود را به دیگران دادیم، در آنجا که ما تبدیل به یک «توده تاریخی» بی‌نام شدیم، در آنجا که به فراموشی سپردن خواست و شخصیت هر فرد ممکن شد.

امروز وظیفه اصلی کدام است؟ به نظر من در این است که سوسیالیسم را یک بار برای همیشه از استالین رهایی بخشیم. این دو، سازش‌ناپذیر و ناقض یکدیگرند. در تحلیل نهایی، بزرگترین جنایت استالین و گروه او چه بود؟ این بود که آنها، آرمان سوسیالیستی را تحریف و بی‌اعتبار کردند. آرمان سوسیالیستی بود که برای نخستین بار در تاریخ بشر، امکان تلفیق دو چیز را فراهم آورد که پیش از آن، تلفیق این دو هرگز امکان نداشت: سیاست و اخلاق. هیچ چیز برای مردم، آزار دهنده‌تر از عدم تطابق عملکرد

آیا درک اینکه لنین یک انسان زنده بود، تا این حد دشوار است؟ لنین از آنجا که یک انسان زنده بود، و از آنجا که زندگی تغییر می‌کند، ضمن وفادار ماندن به اهدافش، شیوه‌های جدید را جستجو می‌کرد. او با شجاعت، خود را تصحیح می‌کرد و اندیشه‌های نوین را مطرح می‌نمود. لنین یک دیالکتیسین و یک مارکسیست بود و از این رو زندگی او، حکایت یک اندیشه زنده است که همواره در حرکت است و در هر پیچ تکامل خود، خود را نمی‌کند.

تلاش برای تبدیل لنین به یک شیئی موزه‌ای، اهانت به لنین است. جای لنین در مقبره نیست. اتفاقاً من اندیشه ساختن مقبره برای لنین را به کلی نادرست و فریبنده می‌دانم. مقبره را چکار به یک کمونیست، ایدئولوژی و اخلاق مارکسیسم و سنن و رسوم روسی؟ مقبره ساختن، یک سنت کاملاً شرقی است. این فکر در این مورد، کاملاً استالینی بود. به یاد آوریم که همسر و دوستان لنین، به بلشویک‌های پرسابقه، علیه این کار اعتراض کردند. می‌توان برای مردمی که می‌خواستند امکان ادای احترام به رهبر خود را داشته باشند، تفاهم نشان داد، اما این مقبره بعداً به چه چیز تبدیل شد؟

ضرورت قضاوت نهایی

بچه نظر می‌رسد انجام نوسازی اغلب تا حد زیادی به این خاطر به دشواری برمی‌خورد که برخورد ما به گذشته، همواره کاملاً صادقانه نیست و نتایج لازم را هنوز نگرفته‌ایم. اگر بپذیریم که تفکر تاریخی ما تحت تاثیر نیروی قابل ملاحظه ماند است، این را نیز باید پذیرفت که تفکر سیاسی کنونی ما نیز هاری از این نیروی ماندنیست. آیا این درست است؟

*... زمان آن فرا رسیده است که دیگر خود و سایرین را فریب ندهیم. ما باید در ایام تاریخی و وقتی تاریخدانان و شخصیت‌های مشهور در دفاع از گذشته و تبلیغ فلسفه استالینی اصرار دارند، نوسازی ما قادر به پیشرفت نیست.

*... گاه تلاش می‌شود که شخصیت استالین "دیالکتیکی" تصویر شود. بدین منظور، برخورد دیالکتیکی لنین به فعالیت رومان مالدینوسکی، آن عامل پلیس را که عضو کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دمکرات روس و عضو مجلس دومای دولتی تزاری بود، نمونه می‌آورند. نظر لنین را همه می‌دانند. بطور خلاصه، لنین نوشته است که مالدینوسکی در حالی دهها انقلابی را به مسلخ می‌فرستاد که در همان زمان هزاران کارگر را به صف انقلاب می‌کشاند، از طریق خواندن نطقهای نوشته لنین از تریبون دوما، از طریق نوشتن مقالات در نشریات بلشویکی و قیصره. در دعوت به انجام چنین برخوردی در ارزیابی نقش هر رهبر در گذشته، نتیجه نهایی را فراموش می‌کنند. به یاد آوریم: مالدینوسکی با وجود صحبت‌هایی نظیر "از یک سو" و "از سوی دیگر"، توسط‌هالی‌ترین ارگان قضایی جمهوری در سال ۱۹۱۸ به جرم خیانت و خدمت به پلیس محکوم به تیرباران شد. لنین در آن محاکمه حضور داشت. یعنی بعد از همه چیز، یک قضاوت نهایی هم وجود دارد، بقیه در صفحه بعد

صادر کردند، نامه‌هایی که لنین به قیمت سلامتی خود به منشی‌های خویش دیکته می‌کرد. هموما تاریخدانان از ما می‌خواهند بی‌طرف و معقول باشیم و بر احساسات خود لگام زیم. شاید آنها بتوانند چنین کنند اما من نمی‌توانم. من اکنون وقتی می‌دانم که یک منشی، فردی که لنین اعتماد همیشگی به او داشت، نقش یک خبرچین را ایفا کرد، نمی‌توانم آرام بگیرم. این سؤال مطرح می‌شود: از کی و چرا دولت شوروی و حزب کمونیست خود را نیازمند خبرچینان و جاسوسان دیدند؟ این چیست - جزیی از سوسیالیسم، یا چیزی دیگر، آنگونه که من آن را می‌نامم؟

من نمی‌توانم آرام بگیرم وقتی می‌دانم که رهبری حزب به همه سازمانهای حزبی کشور بخشنامه داد که توجهی به نامه‌های لنین نکنند، زیرا این نامه‌ها نوشته کسی است که گویا نه چیزی درباره واقعیت می‌داند و نه می‌تواند آن را درک کند. این در زمانی بود که حکم فقیهانه‌ای صادر شد: "این نه لنین که بیماری او است که سخن می‌گوید."

به سختی می‌توان آرام گرفت وقتی بدانیم که این دستورها را نه تنها استالین و کامنیف، نه تنها تروتسکی، بلکه همچنین دزرژینسکی، بوخارین، ریکف و سایرین امضا کرده‌اند. این همه، یک تراژدی انسانی واقعی بود که ما باید برای درک تحولات بعدی، آن را دریابیم. اطلاق نام تراژدی به آخرین ماههای زندگی لنین، شاید درست باشد. هنوز باید دقیقاً این دوره را بررسی کرد. ما همه می‌دانیم که کار و مبارزه برای لنین چه معنایی داشت. بنابر این ساده است تصور کنیم احساس او وقتی از تصمیم رهبری در قطع همه تماس‌ها، اطلاعات، دیدارها و فیزه برای وی خبر شد، چه بود. می‌دانیم که فرستار، پزشک مسئول لنین، همین که بیمار خود را مهیانه کرد، گفت که قطع تماس او با جهان خارج به معنای محکوم کردن او به مرگ است...

تبدیل لنین به یک بت بی‌روح

*... همین این است که یک وجه آن روند، ابراز وفاداری به لنین و اندیشه‌هایش بود، در حالی که مشی لنین تعریف می‌شد و بالاخره در سال ۱۹۲۹، سال "نقطه عطف بزرگ"، به کلی معوق گردید. اما وقتی می‌اندیشیم، تناقضی در این ابراز وفاداری وجود نداشت. درست است؟ *... این دارای منطبق خاص خود است. مسخ استالینی لنینسم نیازمند به حفاظت‌های ایدئولوژیک لازم بود. نتیجه، این بود که اندیشه‌های بسیار پیچیده سیاسی، بطور مغرط ساده شدند و لنینسم - این آموزش زنده، دیالکتیکی و پویا - به یک مذهب تبدیل شد، به کلکسیون از نقل قولهای بی‌روح برای اثبات احکامه‌ترین احکام، و خودلنن نیز با ظرافت به یک شمایل قدیس تبدیل گردید... این یکی از موثرترین راه‌ها برای کشتن یک رهبر سیاسی و اندیشه‌های او است... بسیاری، به این نوع لنین هادت کردند. و این دلیلی است کافی برای این که ما بگوئیم لنین، آن انسان، و شخصیت واقعی او را نشان دهیم تا فریادها بلند شود: "دست‌ها از لنین ماکوتاه!"

اجتماعی و اصول اخلاقی، تفاوت میان آنچه مردم می‌بینند و آنچه می‌شنوند، نیست. چرا در گذشته و امروز، همه مردم نیک سیرت و آگاه به آرمان سوسیالیستی جذب شده و می‌شوند؟ زیرا این آرمان، محتوای اخلاقی والایی دارد. عملکردهای استالین، این آرمان را از این محتوی، به کلی تهی کرد.

همه ما امروز درباره دهه ۳۰ بسیار می‌نویسیم. ما نامه‌هایی را منتشر می‌کنیم که بسیاری از آنها، با لحن‌های متفاوتی نوشته شده‌اند. زیرا محتوای سیاسی متفاوتی را بازتاب می‌دهند. این راه بعدی است که به حقیقت ختم شود. من بارها پیشنهاد کرده‌ام شیوه متفاوتی برای نیل به حقیقت در پیش گرفته شود تا ما مجبور نباشیم در این باره جدل کنیم که استالین از جنایات خبر داشت یا نه، و یا می‌دانست که چه می‌کند یا نه. آنچه بدان نیاز داریم، ارائه صرف فاکت‌هاست. خیلی ساده است: باید اسناد را منتشر کنیم، بدون اینکه مثلاً شاتروف یا پروسکورین آنها را تفسیر کرده باشند. اگر چنین کنیم، احتیاج به هیچ توضیح نیست...

چرا منحرف شدیم؟

* شما اصطلاح "منحرف شدیم" را به کار بردید. این مسئله، افراد بسیاری را به خود معقول کرده است. سؤال این است: ریشه پدیده معروف به "استالینسم"، یا بهتر بگوئیم، ترک راه لنین چه بود؟

*... من از کسانی هستم که نقطه عطف در تاریخ ما را ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ می‌دانند. آن سالها، سالهای بسیار بد و هولناکی بود. هولناک بود، زیرا ریشه‌های ۱۹۳۷ و بسیاری چیزهای دیگر، در نهایت در آن سالهاست. وقتی درباره ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ سخن می‌گوییم، هنوز نمی‌توان دقیقاً از "استالینسم" یا شکل‌گیری به اصطلاح نظام اداری و فرماندهی سخن گفت. اما دقیقاً در آن سالها بود که آنچه قبلاً آن نام بردم، پدیدار شد، یعنی فاصله میان سیاست و اخلاق، آیا این، ریشه واقعی نیست؟

با نگاه به آن سالها، در می‌یابیم در حالیکه به نظر ما می‌رسد که همه چیز را درباره بیماری و مرگ لنین می‌دانیم و اقصیت این است که نمی‌دانیم من به عنوان یک نویسنده، خوبی این را حس می‌کنم، زیرا من جزئیات حقیقت را می‌بینم، و جزئیات بندرت دروغ می‌گویند. تنها مشکل، این است که همه جزئیات، در آرشیو‌هایی پنهان است که بندرت انتشار می‌یابند و تنها گروه برگزیده‌ای به آن دسترسی دارند، گروهی که من جزو آن نیستم.

در واقع، تنها زمانی که میخائیل شاتروف یک نمایشنامه معین را نوشت، انستیتوی مارکسیسم لنینسم فقط دو سند از اسناد بسیاری را که هنوز سری‌اند، انتشار داد. یکی از این اسناد، با صراحت کافی می‌گوید که فوتیوا، منشی شورای کمیسرهای خلق و شورای کار و دفاع، در کنار لنین چه نقش نامطبوعی را ایفا کرد. سند دیگر، به دستورهایی اشاره دارد که رهبران وقت حزب، در رابطه با آخرین نامه‌های لنین

حکومت سیاه ریگان از زبان جسی جکسون

بقیه از صفحه آخر

است و ثروتمندان مال و اموالشان کم. کارگران قدرتمند هستند و کارفرمایان فاقد قدرت. بر اساس همین دو فرضیه نامعقول است که مردم آمریکا هدف دشمن تیز برنامه‌های "ریگانومیکس" دولت قرار گرفته‌اند."

جکسون در ادامه مطلب خود در زمینه نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا می‌افزاید: "هنگامیکه سه میلیون شهروند آمریکایی خانمان هستند، این یافی‌گری اقتصادی است. در حالی که کورپوراسیون‌ها تازه اقدام شده، سودهای بادآورده به جیب می‌زنند و مدیران مالی رتبه به پاس خدماتشان چترهای طلایی جایزه می‌گیرند تا آرام بر زمین فرود آیند، کارگران یا بیکار می‌گردند و یا دستمزدشان کاسته می‌شود، این یافی‌گری اقتصادی است. در جائیکه فرزندان از نبود درمان، بهداشت، امکانات تحصیل، کاشانه و تغذیه مناسب رنج می‌برند، این یافی‌گری اقتصادی است."

جسی جکسون ضمن اشاره به این نابسامانی‌های اجتماعی، تحت عنوان "بی‌عدالتی" آمار و مطالب افشاگری را ارائه می‌کند. وی می‌نویسد: "دولت ریگان بودجه آموزش کودکان را کاهش

داده است. این کاهش شامل نهار دانش‌آموزان و کمک‌هزینه تحصیلی تا حدود ۲۰ درصد است. امروز ۳۰ درصد از فرزندان ما را خطر ترک تحصیل اجباری تهدید می‌کند. این رقم تا سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد خواهد رسید. امروز ما باید خود را برای بحرانهای آتی آماده کنیم. آموزش و پرورش یک برنامه اجتماعی قابل صرف‌نظر کردن نیست، باید به دفاع از آن برخاست. آن سیستم اجتماعی که از هر دلار درآمد مالیاتی، ۵۵ سنت صرف مقاصد نظامی می‌کند و تنها ۲ سنت به آموزش و پرورش اختصاص می‌دهد، از بیماری مزمنی رنج می‌برد. درجه مرگ و میر کودکان ما از سنگاپور بیشتر است. حداقل دستمزد شافلین، در واقعیت امر ۳۰ درصد کاهش یافته است و در نتیجه آن ۴۰ درصد به میزان شافلین فقیر افزوده شده است. این در حالی است که ۲۷ هزار دلار به حقوق کسانی که سالانه بیش از ۲۰۰ هزار دلار درآمد دارند، افزوده شده است. چنین است که پس از سپری شدن ۷ سال خدمت ارتجاهی، ده درصد از فقیرترین اقشار شافل، ۲۱ درصد بیشتر مالیات می‌پردازند، حال آنکه میزان مالیات پرداختی یک درصد از ثروتمندترین مردم، ۲۱ درصد کاهش یافته است. اقدام دیگر

ریگان آزاد گذاشتن دست کورپوراسیون‌هاست. این کورپوراسیون‌ها با اقدام در یکدیگر، باعث شده‌اند که کمپانی‌های هیولای چند میلیارد دلاری بوجود آید. دولت نه تنها این هیولاهای را از پرداخت مالیات معاف کرده، بلکه امتیازات دیگری نیز برای آنان قائل شده است."

کاندیدای سابق حزب دمکرات آمریکا در ادامه مقاله‌اش به بیکاری فزاینده اجتماع آمریکا اشاره کرد و گفت: "تنها در صنعت تولیدی، یک میلیون نفر بیکار شده‌اند. دوازده میلیون نفر به دلیل اخراج و یا بسته شدن کارخانجات، کار خود را از دست داده‌اند. در این مدت تنها حدود نیم میلیون نفر موفق به پیدا کردن کار جدید شده‌اند که حقوق دریافتی آنها حدود ۷۴۰۰ دلار در سال می‌باشد. این میزان حقوق کفاف تامین زندگی یک خانواده چهار نفره را نمی‌کند. بدین ترتیب این عده نیز زیر "خط گرسنگی" زندگی می‌کنند."

"در شرایطی که طبقه متوسط خانه خراب شده است و میزان دریافت مالیات از ثروتمندان کاهش یافته است، دولت ریگان بودجه نظامی دوران صلح را دو

برابر کرده است. بدین ترتیب قروض دولت ریگان نیز دو برابر شده است. جرج بوش در سال ۱۹۸۰، پیش از آنکه در کابینه ریگان برگزیده شود، نام برنامه دولت را "اقتصاد چادویی" نهاده بود. امروز حتی جرج بوش نیز از نقل قول این نام دچار شرمندگی می‌شود. دولت ریگان البته به بهانه همین "کسری بودجه" تاکنون از اقدام به هر گونه سرمایه‌گذاری عمرانی طفره رفته است. در حقیقت ما از کسر اخلاق رنج می‌بریم. کسراخلاقی که سود را بر مردم ارجح می‌شناسد و موشکهای هدایت شونده را بر افکار آگاه ترجیح می‌دهد.

نویسنده ضمن انشای سیاستهای نظامی دولت ریگان گفت: "باید دید دستاورد، از بازسازی نظامی که این همه قربانی از ما گرفته است چه بوده است؟ از هنگام زمامداری ریگان تعداد کشته‌شدگان ما در درگیریهای نظامی بیشتر از قربانیان ما در جنگ ویتنام بوده است. مردم جهان ما را بنام صادرکنندگان اسلحه و واردکنندگان مواد مخدر می‌شناسند. دلار دیگر به خوبی طلا نیست. در حقیقت ما بزرگترین مقروض دنیا هستیم... ریگان پس از انتخاب شدن، جنگ سرد تازه‌ای را دامن زد. ریگان با بزرگ کردن نامنی، بودجه نظامی را ۱۲۰ میلیارد دلار افزایش داد، به رقابت هسته‌ای شتاب بخشید و بر تعداد نیروهای نظامی به شدت افزود."

حقیقت به منابه

بقیه از صفحه قبل

اینطور نیست؟ آری وجود دارد، و ما را از آن گریزی نیست...

گاه از دولت نیرومندی که استالین به جای گذاشت، سخن می‌گویند، و برخی، او را با پتر کبیر مقایسه می‌کنند. آنها می‌گویند دیگر چه اهمیتی دارد که روحیات امپراتور چگونه بود، آنچه به حساب می‌آید، نتایج کار است. آنگاه گل ما را می‌بینیم که بر روی گور او می‌نهد. خوب، حال که می‌خواهند استالین را در ردیف ایوان مخوف، پتر کبیر، الکساندر، نیکلا و امثالشان بگذارند، من مخالفتی ندارم. درست است، او یک تزار بی‌ماند بود، موفق‌ترین تزار تاریخ ما! هیچ‌کس هرگز به اندازه او قدرت نداشته است. اما ما می‌لیم یک سؤال کوچک مطرح کنم: تکلیف صفت "کمونیست" چه می‌شود؟ تکلیف آرمانهای سوسیالیستی، سوسیالیسم و قدرت

شوروی چیست؟

بسیاری، هنوز سردرگمند، و بر این سردرگمی، از جمله برخورد شبه تاریخی طبق سنت به اصطلاح متدلوژی "مارکسیستی" و شیوه‌های استدلال به ارث رسیده از آن دوران تاریخ تاریخ، می‌افزاید. یک نمونه این برخورد، انتشار نامه نینا آندریوونا در روزنامه "ساویتسکیا راسیا" بود. این مقاله، اوج یک کارزار سازمان یافته بود که من افتخار آن را داشتم که از اصلی‌ترین آماج‌های آن باشم. شاید فکر کنید حال که هلنیت حاکم است، بگذاریم تا هر کس استدلال کند، نظراتش را بیان دارد و در جستجوی حقیقت شرکت کند. اما بسیار هستند کسانی که آرزوی یک "دست نیرومند" را دارند، یک نقطه نظر مستبدانه، "تنها نظر درست"...

اما بطور کلی می‌توان گفت روندی که شاید آتیم، هادی و سالم است، به دلایل بسیار باید از آن استقبال کنیم. اما تنها مشکل، این است که ما مدتها پیش عادت مبارزه را فراموش کرده‌ایم، و تلاش شده است از مبارزه جلوگیری شود، خواه

از طریق تنزل دادن مبارزه به سطح شیوه معمول نامه‌نگاری و خواه از طریق اهلام یک نقطه نظر معین به عنوان حقیقت نهایی. اما این، معمول‌ترین شیوه کیش شخصیت و بارزترین نشانه تفکر تمامیت‌گراست. به نظر من ما در اینجا با خطر بزرگی مواجهیم، زیرا تلاش می‌شود تحت عنوان نوسازی، شیوه‌های کتاب "تاریخ کوتاه حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک)" نوشته استالین، به ما تحمیل شود. کافی است میخائیل گارباچف درباره یک مسئله اظهار نظر کند تا جرم‌گرایان سخنان او را حقیقت نهایی و منتقی کننده هر آلترناتیو دیگر قلمداد نمایند. این در حالی است که حزب از ما دعوت به تفکر و به گفتگو می‌کند و خود میخائیل گارباچف بارها گفته است که هیچ‌کس انحصار حقیقت را ندارد، و ما باید دمکراسی را تمرین کنیم، و از دبیر کل گرفته تا کارمند دفتری، همه یک نوسازی مشخصی را از سر بگذاریم... پس در بابیم که هرگاه در برابر اندیشه، مانعی ایجاد کنیم، به پرسترویکا و سوسیالیسم لطمه می‌زنیم.

اورتگا: انقلاب ما سمت گیری سوسیالیستی دارد

دانیل اورتگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه در یک سخنرانی در ماناگوآ تاکید کرد کشورش آماده مذاکرات با ایالات متحده در مورد مسائل امنیت در آمریکای مرکزی است. وی افزود مسائل داخلی نیکاراگوئه نمی‌تواند موضوع این مذاکرات باشد. اورتگا خاطر نشان کرد واشنگتن باید از تلاش برای دیکته کردن آنچه باید در نیکاراگوئه روی دهد، به مردم نیکاراگوئه، دست بردارد. اورتگا گفت انقلاب در نیکاراگوئه سمت گیری سوسیالیستی دارد و خلعت ضد امپریالیستی خود را تغییر نخواهد داد.

اورتگا به مناسبت دهمین سالگرد اشغال ساختمان پارلمان نیکاراگوئه توسط یک گروه کماندویی جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست سخن می‌گفت. در جریان این اقدام موفقیت آمیز، چریکها توانستند به آزادی ۵۷ زندانی سیاسی، از جمله توماس بورخه وزیر کشور کنونی، از زندانهای سومزادست بیاورند.

اعتصابات کارگری در ترکیه

به گزارش مطبوعات ترکیه، در حال حاضر در این کشور بیش از ۱۵۰ هزار کارگر برای دستمزد بیشتر و بهبود وضع اجتماعی و رفاهی خود در اعتصاب به سر می‌برند. این اعتصابات به دعوت یازده سندیکای کارگری صورت می‌گیرد و انگیزه آن، رد خواستهای کارگران از سوی ۱۵ شرکت بزرگ است.

طبق آمار رسمی، تورم در ترکیه به ۷۵ درصد بالغ میشود. درآمد واقعی زحمتکشان ترکیه در هفت سال گذشته ۵۱/۶ درصد کاهش یافته است.

از میان دیگر رویدادها

● جبهه رهایی بخش ملی فاروندومارتی در بیانیه‌ای که از فرستنده رادیویی این جبهه خوانده شد، از سرگیری مذاکرات با دولت السالوادور را تنها راه دستیابی به حل مسالمت آمیز بحران هشت ساله در این کشور آمریکای مرکزی دانست. در این بیانیه آمادگی انقلابیون برای از سرگیری مذاکرات مورد تاکید قرار گرفته است. بیانیه مزبور پاسخی به دعوت مشابهی از سوی اسکار آریاس رئیس‌جمهور کستاریکا محسوب می‌شود.

● زلزله سنگینی در منطقه مرزی هند و نپال به مرکز بیش از هزار تن و ویرانی مناطق وسیعی از شهر باکتاپور نپال انجامید.

● هلیرقم اعلام انجام یک همه پرسی در برمه برای لغو نظام تک حزبی، تظاهرات علیه دولت این کشور ادامه دارد.

● ۲۵ هزار تن از مردم سانتیاگو پایتخت شیلی با شرکت در تظاهراتی اعلام کردند در همه پرسی پیرامون ادامه دوره ریاست جمهوری پینوشه، رأی «نه» خواهند داد. رژیم پینوشه هفته گذشته اعلام کرد قصد دارد حکومت نظامی ۱۵ ساله در این کشور را لغو کند.

اعتصاب عمومی مجدد در مناطق اشغالی فلسطین

اسرائیلی با یورش به یک اردوگاه در نزدیکی نابلس پنج فلسطینی را مجروح کردند. شب پیش از آن، یک جوان ۲۳ ساله فلسطینی به ضرب گلوله صهیونیست هلاک شده شد.

طبق گزارشی که در روز سه‌شنبه ۲۳ اوت از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین به سازمان ملل متحد تسلیم شد، از اواخر ۱۹۸۷ تاکنون در مناطق اشغالی توسط اسرائیل ۳۵۴ فلسطینی توسط صهیونیستها به قتل رسیده‌اند. در همین مدت، ۱۲۵۰۰ فلسطینی مجروح شده‌اند که ۵ هزار تن از آنها برای همه عمر خود معلول گشته‌اند. طبق همین گزارش، هم‌اکنون ۲۲ هزار زندانی حرب در اردوگاه‌های اسرائیلی به سر می‌برند. شمار فلسطینی‌های بازداشت شده از ۱۹۶۷ تاکنون به ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد.

دوشنبه ۲۲ اوت، بار دیگر یک اعتصاب عمومی به دعوت رهبری متحد و مخفی قیام در مناطق اشغالی فلسطین، این مناطق را فراگرفت و ساکنان عرب اسرائیل نیز از رفتن به سر کار خودداری کردند. اعتصاب روز دوشنبه گذشته تنها چند روز پس از اینکه سیاستمداران اسرائیلی اعلام کردند به سیاست «مشت آهنین» خود علیه فلسطینی‌ها ادامه خواهند داد، صورت گرفت.

صهیونیست‌ها برای جلوگیری از فراهم آمدن زمینه‌ی تشکیل یک دولت فلسطینی در مناطق اشغالی کمیته‌های مردمی در این مناطق را که هم‌مدار پاره‌ای وظایف اداری محلی بودند، ممنوع کردند.

در جریان اعتصاب دوشنبه، سربازان

اعتصاب در لهستان

دفاع کرد. در ادامه نامه آمده است باید مسائلی که سرچشمه کنش‌های اجتماعی است، تشخیص داده شود و در حل آن و تحقق تدابیری بری بازگشت به وضعیت هادی در کارخانه‌ها و نیز آرامش عمومی، فعالانه مشارکت به عمل آید.

در اطلاعیه دفتر سیاسی حزب متحد کارگران لهستان خاطر نشان شد موقعیت کنونی در جمهوری خلق لهستان، تهدیدی علیه کار هادی اقتصاد و دولت محسوب می‌شود. لطامات اقتصادی اعتصابات، روبه افزایش و در برخی کارخانه‌ها فیر قابل جبران است. بر اثر این اعتصابات، اعتبار اقتصاد لهستان در مناسبات بین‌المللی آسیب زیادی دیده‌اند.

در هفته گذشته اعتصابات در لهستان گسترش یافت و به ویژه معادن زغال سنگ منطقه کاتوویتس را در بر گرفت. کمیته‌های فیر قانونی اعتصاب مانع رفتن کارگران به سر کار خود میشدند. به گزارش خبرگزاری رسمی لهستان، هزاران کارگر به علت مخالفت سازماندهان اعتصاب نتوانستند به معادن راه یابند. در همین حال در چند معدن، کارگران به سر کار خود برگشتند.

بدنبال انجام اعتصابات در لهستان، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان در نامه‌ای، همه اعضای حزب را موظف کرد با تلاشها جهت سازماندهی اعتصابات فیر قانونی مقابله کنند. در این نامه از کمونیستهای لهستان خواسته شده است مسئولانه و سرمشق وار برای بهبود وضع کارخانه‌های محل کار خود و کل اقتصاد کشور و نیز رهایی قوانین، بکوشند. نامه مزبور می‌افزاید باید با بوروکراسی مبارزه کرد و از منافع طبقاتی واقعی کارگران و همه زحمتکشان

حمایت حزب سوسیال دمکرات ترکیه از کوتلو و سارگین

زندانیان سیاسی است.

چهارشنبه ۲۴ اوت، هشتمین روز محاکمه کوتلو، سارگین و ۱۴ متهم دیگر بود. سارگین در ادامه دفاعیات خود، به مسئله کردستان اشاره کرد و خطاب به دادستان گفت: «شما ما را متهم به "تضییع احساسات ملی" می‌کنید می‌خواهید ما را به این خاطر مجازات کنید که به موجودیت خلق کرد در ترکیه و موجودیت زبان کردی اشاره کرده و خواهان احترام به حقوق کردها شده‌ایم. آیا جرم ما این نیست که حقیقت را می‌گوییم؟»

یک دادگاه رژیم ترکیه بدنبال محاکمه‌ای هفت ساله، هشت تن از اعضای سازمان چپ‌گرای «راه انقلابی» را به اعدام محکوم کرد. سایر متهمان این محاکمه به حبس‌های طولیل‌المدت محکوم شدند.

اشرف اردم حضور رهبری حزب سوسیال دمکرات مردمی ترکیه و عضو پارلمان این کشور، در یک مصاحبه اعلام کرد این حزب خواهان آزادی فوری حیدر کوتلو و نیجات سارگین دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه است. وی محاکمه کوتلو و سارگین در دادگاه امنیتی آنکارا را محکوم کرد و افزود: «موضع حزب ما این است که یک حزب کمونیست قانونی، جزئی از دمکراسی است. حضور من در محاکمه نیز به منظور تاکید بر همین امر صورت می‌گیرد.»

اردم خاطر نشان کرد بازگشت محاطره‌آمیز کوتلو و سارگین به کشورشان در نوامبر ۱۹۸۷، «گام مهمی در راه قانونی کردن حزب کمونیست» بوده است. وی افزود سوسیال دمکراتهای ترکیه خواهان لغو مواد فیر دمکراتیک قانون کیفری ترکیه، لغو مجازات اعدام، تغییر قانون اساسی و آزادی همه

کنفرانس جهانی زنان برای صلح

با تولید سلاح‌های کشتار جمعی و گسترش آن ستم زنان و کودکان در میان قربانیان جنگ‌ها سرعت افزایش یافته است. خانم بریژیت بروک اوتو پروفسور دانشگاه اسلو و یکی از چهره‌های جنبش زنان جهان برای صلح در تایپیک این نظر در کتاب خود بنام "آموزش برای صلح" که در سال ۱۹۸۵ انتشار یافته است، می‌نویسد: ۸۰ درصد قربانیان جنگ ویتنام را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، از سوی دیگر طی دهه‌های اخیر حضور زنان در میدان پیگیر برای حفظ دائمی صلح گسترش یافته و بیشتر یافت. آنان برای تحقق این آرزوی والای انسانی می‌رزمند.

شکل‌گیری و افزایش تعداد سازمان‌های زنان مدافع صلح از آغاز جنگ جهانی اول به اینسو گویای این واقعیت است.

"لیگ بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی" (WILP)، "حرکت زنان برای صلح"، "اتحاد زنان برای خلع سلاح اتمی" و... از جمله سازمان‌های بین‌المللی زنان اند که در کنار دهها سازمان ملی زنان برای محو سلاح‌های اتمی و پاسداری از زندگی در زمین مبارزه می‌کنند.

اکنون برگزاری کنفرانس‌های زنان صلح‌دوست در کشورهای مختلف به یک سنت دائمی و ارزشمند تبدیل شده است. زنان آگاه و مبارز با شرکت در

حکومت سیاه‌ریگان

از زبان جسی جکسون

در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، روزنامه انگلیسی "مورنینگ استار" به نقل از ماهنامه "مادر جونز" چاپ آمریکا، مقاله‌ای از جسی جکسون کاندیدای سابق حزب دمکرات برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را منتشر کرده است. مطالب این مقاله، از آنرو که نوشته یکی از مسئولان و شخصیت‌های سیاسی طراز اول آمریکا می‌باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کاندیدای سابق حزب دمکرات آمریکا، در این مقاله کوشیده است تا کارنامه دولت ریگان در مرصه‌های اقتصادی و سیاست خارجی را ارائه نماید.

جکسون ضمن اشاره به بی‌تفاوتی سیاسی مردم در قبال حکومت که منجر به هدم شرکت

۴۵ درصد مردم در انتخابات دوره گذشته ریاست جمهوری شد، سیاست دولت ریگان را به رشته نقد کشید. جکسون دهسال گذشته را "دهه بر باد رفته تاریخ آمریکا" نامید. نویسنده در بررسی این "دهه تاریک" که بنام ریگان "تروف آمریکا" لقب گرفته است، این پرسش را پیش می‌نهد: "سؤال کلیدی این است که آیا باید کماکان "یافتی‌گری اقتصادی ریگان" - ریگانیسم - را پی گرفت؟ آیا باید صرفه‌جویی اقتصادی و انسانی را ادامه داد و مسائل حیاتی را به بعد موکول کرد؟ "جکسون ضمن پاسخ منفی به این پرسشها، فلسفه موجود در "یافتی‌گری اقتصادی" دوره ریگان را باز می‌کند: "دو فرضیه وجود دارد: فقیران ثروشان زیاد بقیه در صفحه ۱۰

زنان فدایی در آمریکا از جمله شرکت‌کنندگان در این کنفرانس بودند که در دیدار با نمایندگان سایر کشورها به افشای وجوه مختلف سیاستهای ضد مردمی و غده‌مکراتیک رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی پرداختند. در کنفرانس نمایشگاهی که به منظور بازتاب رنج و رزم زنان ایران، توسط زنان فدایی ترتیب یافته بود مورد استقبال بسیار قرار گرفت.

نمایندگان شرکت‌کننده در این گردهمایی در دیدار با زنان فدایی و بازدید از نمایشگاه زنان ایران همپیوندی خود را با مبارزات زنان پیشرو و مترقی ایران بیان کردند.

از زندگی تلخ پرورندگان عسل

در برخی از آمارهای رسمی وزارت کشاورزی تعداد کندوهای زنبور عسل در سراسر ایران یک میلیون و دویست هزار عدد اعلام شده است. این آمار زمانی واقعی بود، اما هر چه که گذشت فاصله آن با واقعیت بیشتر شد. زیرا برای زنبورداران هر ساله نگهداری زنبور از پیش دشوارتر می‌شود. از این رو زنبورها دسته دسته می‌میرند و زنبورستان‌ها نابود می‌شوند. در دو ساله اخیر مرگ و میر زنبوران عسل چنان افزایش یافته که هدهای از دست‌اندرکاران این حرفه از خطر نابودی کامل زنبورداری و تهیه عسل در ایران در سال‌های آتی، سخن می‌گویند.

در راس مشکلات زنبورداران،

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱ مارك	۲۴ مارك
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۰۲ مارك	۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO.222 MONDAY, 29AUG, 88</p>	<p>آدرس: Address: RUIZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی: AUSTRIA . WIEN BAWAG IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>